

۱۶۲

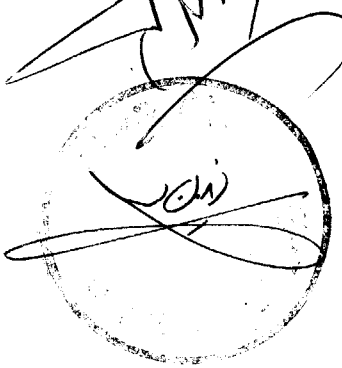
دانشگاه ملی ایران
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه ملی ایران

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

پایان نامه:

برای دریافت درجه لیسانس



موضوع:

صنعتی شدن کشورهای در حال رشد

نویسنده:

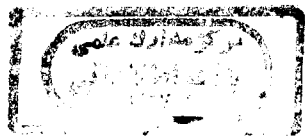
بهرانمائی:

استاد ارجمند جناب آقای دکتر

احمد طوسی شیپانسی

ترجمه:

بهزاد رفیعی



۳۱۶۲

فهرست مند رجات

صفحه ۱	همکاری اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی بعنوان يك عامل صنعتی کردن کشورهای در حال توسعه
صفحه ۱ تا ۱۱	ظهور نوع جدید روابط اقتصادی بین المللی
صفحه ۱ تا ۲۸	روشهای اصلی همکاری اقتصادی
صفحه ۲۸ تا ۳۰	منابع معدنی و توسعه صنعتی
صفحه ۳۰ تا ۴۸	منابع مواد معدنی کشورهای در حال رشد
صفحه ۴۸ تا ۶۲	منابع مواد معدنی بعنوان عاملی برای توسعه صنعتی

همکاری اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی بعنوان يك عامل صنعتی
کردن کشورهای در حال توسعه

۱- ظهور نوع جدید روابط اقتصادی بین المللی :

صنعتی کردن کشورهای آسیایی - آفریقایی و آمریکای لاتین بستگی زیاد
به توسعه و دیواره سازمان بخشیدن به روابط اقتصادی بین المللی دارد
این موضوع اهمیت کوشش برای پایان دادن به اختلاف طبقاتی کشورهای
فوق را در دنیای اقتصاد سرمایه داری کنونی موجب میشود .
منطق این فکلا و کوشش کشورهای را که مهارت به بازاری و اصلاح
احتیاجات ملی خود کرده اند متقاعد ساخت که با کشورهای سوسیالیستی
همکاری نزدیک داشته باشند ، علاوه مفرط کشورهای در حال توسعه به
چنین همکاری بالاتر از همه به وسیله قدرت عظیم اقتصادی دنیای
سوسیالیستی معلوم میشود .

در اوایل سال ۱۹۷۰ کشورهای عضو CMEA

Council for Mutual Economic Assistance

۱۰٪ جمعیت دنیا به اندازه ۲۵٪ درآمد ملی دنیا را صاحب بوده اند.
بعنوان يك سیستم اقتصادی سوسیالیسم برتری قطعی خود را از لحاظ رشد
تولیدات نسبت به کاپیتالیسم (سرمایه داری) نشان داده است . همین
سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۱ محصولات صنعتی کشورهای CMEA هفت
برابر زیاد شده در صورتیکه در کشورهای کاپیتالیستی این مقدار فقط ۲/۸ برابر
بوده است .

پیشرفت اقتصاد در کشورهای سوسیالیستی بخاطر موقعیت صنعتی فوق العاده
و مشخص موجود در این کشورها است .

در ۲۰ سال گذشته سهم این کشورها در تولیدات صنعتی از ۱۸٪ به ۳۲٪ افزایش یافت ، در صنایع فعلی نیز ظرفیت تولید با سرعت زیاد در این کشورها افزایش یافته و راههای جدید بسیار زیادی نیز برای تولید بیشتر ساخته شده است در حال حاضر کشورهای عضو CMEA جزویکی از قدرتمندترین مناطق صنعتی دنیا هستند اما فقط همین یک نکته نیست بلکه نکات دیگری نیز وجود دارد .

در دنیای اقتصادی سیستم سوسیالیستی یک نوع رابطه جدید اقتصادی بین الطلی بوجود آمده و توسعه یافته است .

کشورهای عضو CMEA در حال برقراری روابط اقتصادی خود مطابق با احتیاجات طلب سوسیالیست بر مبنای احترام به حق حاکمیت - عدم دخالت در امور داخلی - تساوی کامل - در نظر گرفتن منافع دو طرف و همکاریهای دوجانبه با کشورهای دیگر هستند .

برنامه جاسمی که برای توسعه و پیشرفت بیشتر و همکاری و بسط تمامیت اقتصاد سوسیالیستی که بوسیله کشورهای عضو CMEA به اتفاق آراء پذیرفته شد (ژوئیه ۱۹۷۱) خاطر نشان شد که تجربه های تاریخی بطور کامل اصول مارکسیست - لنینیست مربوط به نوع جدید روابط بین الطلی را تأیید مینماید .

تجربه بوجود آوردن یک اقتصاد مدرن پیشرفته و متنوع از لحاظ بین الطلی حائز اهمیت است و همچنین لزوم انجام تغییرات و اصلاحات اقتصاد سوسیالیستی در USSR (اتحاد جماهیر شوروی) و سایر کشورهای سوسیالیستی اهمیت بین الطلی دارد و آن یک محدوده مطمئن برای کشورهایی که خواهان پیشرفت اقتصاد سوسیالیستی در یک زمان کوتاه تاریخی هستند بوجود میآورد .

این تجربه شامل متدهای صنعتی کردن کشورهای سوسیالیستی و اصول جدید روابط اقتصادی بین کشورها که نه تنها با اوضاع دنیای سیستم سوسیالیستی مطابقت دارد بلکه کمک میکند تا مبنای استواری برای همکاری بین المللی شریکانش و وسیع بوجود ماورد .

آرزوی کشورهای در حال توسعه برای پایان دادن به اقتصاد عقب افتاده خود و بدست آوردن پیشرفت اجتماعی و استقلال اقتصادی ناشی از امریهالیم بطور کامل و ثابت از طرف USSR (اتحاد جماهیر شوروی) و سایر کشورهای سوسیالیستی حمایت میشود .

در انجام چنین کاری آنها از علقق حیاتی جامعه سوسیالیسم و جنبش آزادی ملی پیروی میکنند و این کار را مردم کشورهای در حال رشد با درك اهمیت تاریخی زیاد و کوشش و تقلا برای پیشرفت اقتصاد ملی و رهائی از شیوه استعماری نوانجام میدهند و این جامعه طلاق و وابستگی ها را بر مبنای مطمئن و استواری برای همکاری بین کشورهای سوسیالیسم و کشورهای در حال رشد بوجود ماورد .

تاریخ روابط اقتصادی بین الملل نشان میدهد که همیشه از يك خط مشی ثابت و معینی بوسیله اتحادیه کارگران شوروی Soviet Union و سایر کشورهای سوسیالیستی برای حمایت از مستعمره های پیشین و کشورهای تحت الحمايه پیروی میشود .

در اوائل ماه برای تشکیل این اتحادیه حکومت کارگران اعلام کرد که خط مشی خارجی خود را بر مبنای تضاد کامل با سیاست وحشیانه تصدین پیروازی که سعادت و نیکبختی چند ملت استعمارگر را با برده سازی میلیونها کارگر در آسیا و در مستعمرات و چند کشور کوچک فراهم کرده است قرار میدهد .

در نتیجه حکومت کارگری تمام پیمانها و معاهده هائی را که بوسیله روسیه
تزاری منعقد شده بود بوج و باطل اعلام کرد و همزمان با آن تمام
امتيازات یکجانبه اقتصادی روسیه تزاری بدلیل اینکه با طبیعت سیستم
سوسیالیستی ناسازگار بود نسخ شد .

پس از پیچیدن راه برقراری روابط دوستانه "جمهوری کارگری" تازه پا گرفته
شروع به انعقاد موافقت نامه های بازرگانی و حق عبور کشتی های تجاری
نمود و آنها را در راه توسعه اقتصادی کمک کرد که این کمکها شامل
کشورهای (افغانستان - ایران - مغولستان - ترکیه و چین) میشد
بنابراین پایه و اساس کار بر روی روابط اقتصادی بین کشورها قرار داده شد
اگر چه در آن زمان حوزه عمل همکاریهای اقتصادی به چند دلیل محدود
میشد .

توسعه و ریشه گرفتن سریع همکاریهای اقتصادی بین کشورهای سوسیالیست
و کشورهای در حال رشد که در اواسط سال ۱۹۵۰ شروع شد با تغییرات
اساسی در موقعیت بین المللی ناشی از پیروزیهای تاریخی سوسیالیسم و
موفقیتهای جنبش آزادی ملی ارتباط داده شد در آن زمان یک دنیای
اقتصادی سوسیالیستی به پا خواسته بود و قدرت اقتصادی طبیعی و
تکنولوژی اتحادیه کارگری *Soviet Union* و سایر جوامع سوسیالیستی
با قدمهای سریع راه تعالی میپیمود .

با اضمحلال سیستم استعماری امپریالیسم و تحکیم یکپارچگی ملی، کشورهای
آفریقائی - آسیائی و آمریکای لاتین با کوشش زیاد سعی کردند تا از
اتکاء خود به امپریالیسم گاسته و حمایت کشورهای سوسیالیستی را به خاطر
توسعه اقتصادی و پیشرفت فرهنگی جلب کنند .

معیارهای کنونی همکاریهای اقتصادی بوسیله تنوع در شکلهای آن و افزایش مداوم تعداد کشورهای در حال رشد را که از این همکاریها استفاده میکنند نشان میدهد .

در اوایل سال ۱۹۵۰ فقط کشورهای افغانستان - ایران و ترکیه جزو شرکای تجاری معمول *USSR* (شوروی) بودند ، در سال ۱۹۶۰ در حدود ۲۳ کشور در حال رشد توافقنامه های بازرگانی با شوروی داشتند و در سال ۱۹۷۰ این تعداد کشورها به ۵۲ رسید . روابط اقتصادی این کشورهای در حال رشد با سایر کشورهای سوسیالیستی نیز مخصوصاً با کشورهای عضو *CMEA* بطور سریع افزایش یافت . در سال ۱۹۷۰ مثلاً کشور رومانی با ۱۷ کشور جهان بوم روابط بازرگانی برقرار کرد .

بلغارستان با ۲۲ کشور - جمهوری دموکراتیک آلمان با ۲۷ کشور مجارستان با ۲۹ کشور - چکسلواکی با ۵۳ کشور و لهستان با ۶۶ کشور چنین روابطی برقرار کردند .

میزان مبادلات تجارت خارجی بین کشورهای *CMEA* و کشورهای در حال رشد در سال ۱۹۷۰ به پنج هزار میلیون رول رسید در مقایسه با سال ۱۹۵۵ که نهمصد میلیون رول بود .

تحت توافقنامه های منعقد شده در حدود ۲۸۰۰ پروژه اجرا شده بود و یا در دست اجرا بود و این عملیات در اوایل سال ۱۹۷۲ با کمکهای اقتصادی و فنی کشورهای *CMEA* به کشورهای در حال رشد انجام شد . این پروژه ها شامل سد ها تاسیسات صنعتی و آبی و سیستمهای آبیاری - راه آهن و شاهراه ها - ایجاد بندر و راههای هوایی و تعداد زیادی معادن نفت - گاز - ذغال سنگ - سنگ آهن و سایر رسوبات معدنی بودند که کشف و استخراج شدند .

در آن سال (۱۹۷۲) در حدود ۳۷۰ پروژه اجرا شد که ۴۲۰ پروژه دیگر نیز با کمک اتحادیه کارگری در دست اجرا بود .
 این پروژه ها در تعدادی از کشورهای در حال رشد بعنوان ستون فقرات اقتصاد مدرن آنهاست و میتواند بر مبنای استقرار ملی در توسعه تولیدات کلکهای لازم را به کشورها بنماید . موافقتنامه های منعقد شده همچنین شامل اعطای وامهای طولی مدت مجموعاً به مبلغ هشت هزار میلیون رول از طرف کشورهای عضو CMEA بود که پنج هزار میلیون رول آن بوسیله اتحادیه کارگری شوروی Soviet Union پرداخت شد .

رشد سریع روابط اقتصادی خارجی بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد به موازات تحولات ترقی خواهانه قدرتهای تولیدی جهان صورت میگیرد . قبل از هر چیز این تحولات از تغییرات کیفی و کمی در تولیدات جامعه و تقسیم بین المللی نیروی کار و اشاعه انقلاب فنی و علمی و رقابت و کوشش بین دو سیستم موجود در دنیا ناشی میشود .
 عمل آنها میزان رشد دائم و قابل ملاحظه تجارت جهانی و تاثیر روابط اقتصادی خارجی روی اقتصاد ملی را معین و مشخص میکند . در بسیاری از کشورها و بطور کلی در دنیا توسعه بازرگانی خارجی بیشتر از تولیدات ملی است . این موضوع ، امکان بیشتر استفاده از مزایای تقسیم کار بوسیله ترویج تخصص گزائی و همکاری در تولید بین کشورها را نشان میدهد .

استفاده از این تحولات ترقی خواهانه در اقتصاد دنیا بوسیله شناخت موقعیت روابط اقتصادی کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال رشد آسانتر شده و سیاست اقتصادی خارجی کشورهای سوسیالیستی بوسیله چگونگی سیستم سوسیالیستی تعیین میشود .

یکی از خصوصیات روابط بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای آسیائی
آفریقائی و آمریکای لاتین احترام به حق حاکمیت ، عدم دخالت در امور
داخلی ، رعایت اصل تساوی و حقوق دو جانبه ، حمایت بهیضانه
از جنبش آزادی ملی است .

این اصول در اسناد تمام کشورهای عمده ثبت شده است که خطوط سیاسی
کشورهای سوسیالیستی را در امور بین المللی تعیین میکند .

حقایق نشان میدهد که حمایت اجتناب ناپذیر آنها و همکاریها ایشان
با مستعمرات و نیمه مستعمرات پیشین تاثیر و نفوذ اساسی دارد .

قدرت و نیروی زیست این اصول فوق یگانگی و اتحاد و سازمان واحد
آنها را از قبل تعیین میکند . روابط اقتصادی کشورهای در حال رشد
آفریقائی و آسیائی و آمریکای لاتین و کشورهای سوسیالیستی برعکس
قدرتهای امپریالیست ، در جستجوی هیچ مقاصد خود پسندانه
با امتیازاتی که باعث از بین رفتن طلاق مردم کشورهای آسیائی و آفریقائی
و آمریکای لاتین باشد نیست . رعایت اصل منافع متقابل یک جزء مهم و
اساسی در روابط اقتصادی کشورهای سوسیالیسم با کشورهای در حال
رشد است .

لازم به تذکر است که فقط با مشاهده اثرات سریع اقتصادی منافع
دو جانبه هر دو طرف بوده است که این کشورها بدلیل منافع
اقتصادی خود با کشورهای سوسیالیستی همکاری میکنند . اطمینان خاطر
رشد پایدار روابط اقتصادی بین دو گروه کشورها و انجام کمکهای موثر
در حل مسائل اساسی کشورهای در حال رشد خود بخود پیدا میشود .

با سیاست‌گذاری از این همکاری‌های اساسی بود که فعالانه تشکیل شالوده‌های مدرن تولیدی و جهان‌سریع قدم‌های اقتصادی بوسيله کشورهای در حال رشد، تقویت موقعیت آنها در مقابل با شیوه استعماری نو و بدست آوردن استقلال اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم را سبب شد .

برای این کشورها آسانتر است که بطور کامل و مطابق عقل از منابع موجود کشور خود استفاده کنند و امکانات بدست آوردن وسیله سرمایه مدرن و معلومات فنی و منابع مالی خود را توسعه دهند تا به حقوق حقه و غرور ملی آنها لطمه‌ای وارد نیاید . دیگر اینکه همکاری با کشورهای در حال رشد دارای مزایای زیادی برای اقتصاد ملی کشورهای سوسیالیستی است . چون این همکاری به زیاد شدن راندمان شرکت آنها در تقسیم بین‌المللی کار کمک میکند و صادرات با صرفه آنها را از لحاظ اقتصادی توسعه میدهد و تهیه مواد خام مورد احتیاج و کالاهای تمام شده را آسانتر میکند .

مورد استفاده زیاد توافقی و دو طرفه یک شکل مهم همکاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال رشد .

آنها جوانب مختلف این همکاری را نیز در نظر میگیرند که شامل بازرگانی خارجی ، کمکهای اقتصادی ملی و فنی ، روابط پولی و مالی و غیره میباشد . مثلاً در سال ۱۹۵۵ اتحادیه کارگران شوروی *Soviet Union* فقط با افغانستان و هندوستان توافق همکاری اقتصادی و فنی و طرفه داشت . تا سال ۱۹۶۰ چنین موافقت نامه‌هایی با ۱۴ کشور دیگر در حال رشد و تا سال ۱۹۶۹ با ۳۹ کشور و تا اواسط سال ۱۹۷۲ با ۴۴ کشور جهان سوم (۱۹ کشور آسیائی - ۲۲ کشور آفریقائی - ۳ کشور آمریکای لاتین) منعقد شد .

سایر کشورهای عضو *CMEA* نیز توجه خاصی به توافقیهای دوطرفه نشان داده اند . بطوریکه بین سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱ کشورهای لهستان - چکسلواکی - بلغارستان - مجارستان و جمهوری دمکراتیک آلمان و رومانی بهتراز ۳۰ موافقت نامه همکاری فنی و اقتصادی با کشورهای در حال رشد منعقد کردند . در آغاز سال ۱۹۷۰ در حدود ۶۰ کشور در حال رشد موافقت نامه های فنی و اقتصادی با کشورهای سوسیالیست اروپائی منعقد نمودند .

افزایش سریع تعداد کشورهای در حال رشد که موافقتنامه های بازرگانی و اقتصادی بین دولتها را با کشورهای سوسیالیستی امضاء کرده اند گواه این مطلب است که همکاریهای سودمند و جانیبه بطور یکنواخت و ثابت در حال توسعه است . و این همچنین تاثیر توافقیهای بین دولتها را در روابط بین کشورها با سطوح مختلف پیشرفت و سیستم های مختلف اقتصادی و اجتماعیشان را تأیید میکند .

بازسازی سیستم اقتصادی عقب افتاده که میراث زمانهای گذشته است و بهبود سیستمی که روابط اقتصادی نامتعادل در آن وجود دارد - احتیاج به کوشش پدیدرین کشورهای در حال رشد دارد .

اتخاذ تصمیمات سیاسی که لازمه پیشرفت شرایط موجود و سرو سامان دادن به شرایط جدید است باید انجام شود که در غیر اینصورت رهائی از جنگال امپریالیسم غیر ممکن میباشد .

توافقیهای دولتهای کشورهای سوسیالیست کشورهای در حال رشد را کمک میکند که این کارها را در حوزه اقتصادی خارجی بانجام برسانند .

توافقیهای دو طرفه ، همچنین برای هماهنگ کردن نقشه های جاری با طرحهای عمرانی طول مدت شرایط مساعد را بوجود میآورد که باعث افزایش حس اعتماد و استحکام پایه های همکاری و ناهودی موانع در سر راه مبادلات کالاها و خدمات میگردد .

در اصل ، این توافقیها و معاهده ها یکی از موثرترین وسائل برای بوجود آوردن يك شیوه جدید تقسیم بین المللی کار است . آنها نه فقط پایه و اساس قانونی برای روابط اقتصادی و بازرگانی بین دو گروه کشورها هستند بلکه يك راه حل جامع و ممکن میباشد که منافع هر دو طرف را در نظر میگیرد .

با افزایش طول مدت ، عملیات اجرایی طرحهای ذکر شده در موافقت نامه ها میزان سودآوری هر دو کشور در حال رشد و توسعه است افزایش پیدا میکند .

۲- روشهای اصلی همکاری اقتصادی :

همکاریهای اقتصادی کشورهای سوسیالیست و در حال رشد ، در ضمن تامین منافع و طرفه تمام جنبه های روابط اقتصادی خارجی را نیز شامل میشود . رل مهم این روابط قبل از هر چیز توسعه این حقیقت مشخص میشود که این روابط طوری طرح ریزی میشوند که مسائل بفرنجی را که کشورهای در حال رشد با آن مواجه میشوند بسهولت حل میکنند . در میان نقش های این روابط میتوان از تقویت نیروهای تولید کننده بعنوان اساسی برای اقتصاد ملی و تسریع رشد اقتصادی ، حصول به استقلال اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی مردم نام برد . در حالیکه روابط اقتصادی باعث سهولت کار بهارهای از مسائل مربوط به توسعه اقتصاد ملی کشورهای سوسیالیست میشود ، صرفه جویی در نیروی کار مصرف شده را نیز سبب میشود و این کار نیز با مبادله کالاها و خدمات تولید شده تحت شرایط ملی مختلف تولید انجام میشود .

يك قسمت مهم در همکاری با صرفه و جانیه با کمک مستقیم کشورهای سوسیالیست در ساختن زیربنای مدرن اقتصادی کشورهای در حال رشد بشمر میرسد . بنابراین در آغاز سال ۱۹۷۲ تقریباً $\frac{1}{3}$ کمکهای شوروی به کشورهای آفریقائی و آسیائی و کشورهای آمریکای لاتین به ساختن صنایع ملی (شامل کارخانه های برق حدود ۴۰٪ این کمکها) تخصیص داده شد .

۳۲٪ این کمکها برای صنایع آهن و فولاد سازی و کارهای مهندسی و فلز کاری و تصفیه نفت و صنایع شیمیائی در نظر گرفته شده بود .

در آغاز سال ۱۹۷۲ شرکت‌های صنعتی با کمک شوروی طرح‌های زیادی را به مرحله اجرا در آورده و با در دست اجرا داشتند که شامل تولید سالانه آهن به میزان ۱۱/۸ میلیون تن - ۱۳ میلیون تن فولاد و تصفیه ۱۱/۶ میلیون تن نفت و همچنین ساخت وسایل الکتریکی سنگین بظرفیت کل ۳/۲ میلیون تن کلووات و ۱۵۰۰ ماشین خرد کننده فلزات و سیم و بیست هزار تن کودهای معدنی و ۱۳۰ هزار تن سیمان و غیره بود .

دیگر اینکه کشورهای سوسیالیست به کشورهای در حال رشد کمک میکنند تا بیشتر از ۵۰۰ نوع مجتمع غذا و روشنائی بسازند ، صنایع تولید نیرو و سیستم حمل و نقل و ارتباطات را توسعه دهند ، کشاورزی را بازسازی کنند ، شاغلین ملی را تربیت کنند و کارهای دیگر .

در انتخاب شیوه عده کم‌کهای اقتصادی و فنی به کشورهای در حال رشد کشورهای سوسیالیست اختلاف بین سطوح مختلف پیشرفتی را که به آن نائل شده اند و احتیاجات اساسی هر کشور را در نظر میگیرند .

در کشورهای بزرگتر و پیشرفته قوه جهان سوم کمک کشورهای در حال رشد بیشتر روی صنایع سنگین که اسکلت بندی اقتصاد ملی را تشکیل میدهد تکیه دارد و در کشورهای کوچکتر و کم پیشرفته توجه بیشتر روی کشاورزی و صنایع سبک است .

کشورهای سوسیالیست توجه زیادی به زیر بنای مدرن در کشورهای - آفریقایی - آسیایی و آمریکای لاتین نشان میدهند چون راندمان تولید در صنعت و کشاورزی بستگی زیاد به آن دارد .

در حدود يك سوم پروژه های اجرا شده با کمک کشورهای سوسیالیست
زیر بناهای مشر عمر مانند صنایع تولید نیرو ، حمل و نقل و ارتباطات
است .

در آغاز سال ۱۹۷۲ در حدود ۲۵٪ کمکهای شوروی در زمینه
زیر بناها مشر عمر بود و ۱۶٪ کمکها برای صنایع تولید نیروی مسدود
پرداخت شد . ظرفیت تولیدی ایستگاه های برق ساخته شده بواسطه
کمکهای شوروی از شش میلیون کیلووات نیز تجاوز میکرد به عبارت دیگر
کشورهای سوسیالیست کمکهای خود را در زمینه صنعتی کردن کشورهای
در حال رشد بمعنای وسیع کلمه انجام میدهند .

تمرکز کمکهای کشورهای سوسیالیست در بخش اصلی اقتصاد کشورهای
آفریقائی - آسیائی و آمریکای لاتین باعث بالا بردن راندمان این
همکارها میشود و این نزدیکی نه فقط قدرت تولید این کشورها را مستقیماً
بالا میرد بلکه تحریک لازم برای پیشرفت بخشهای متحد و وابسته بهم را
سبب میشود که این نیز بنوبه خود سرعت رشد اقتصادی را زیاد میکند و
موازنه بیشتر اقتصادی را نیز تامین مینماید .

در بعضی از موارد کمکهای کشورهای سوسیالیست يك همکاری مستحکم
در حل نه فقط مسائل اقتصادی مخصوص است بلکه برای حل مسائل
اقتصادی در سطح وسیع نیز میباشد .

از بین این پروژه ها میتوان از ساختمان سد آسوان *Aswan* در
جمهوری عربی مصر که با کمک شوروی ساخته شد و با از کارخانه های فولاد
و آهن سازی و کارهای مهندسی در هندوستان و ساختمانهای
فیدرولیکی در رودخانه *Euphrate* در سوریه نام برد .